

وظایف دولت موقت انقلابی

۹

سازمانیابی دولت دموکراتیک

کشور دموکراتیک کشوری است که دارای قوانین دموکراتیک باشد. در کشور دموکراتیک شکل و نوع دولت را اکثریت مردمی که در تشکل های مختلف سیاسی (احزاب و سازمانهای سیاسی، اتحادیه ها و شوراها) متشکل شده اند و در انتخابات عمومی آزاد شرکت میکنند، با بدست آوردن رأی اکثریت مردم برای دوره ای (۴ ساله) و یا تا انتخابات عمومی آزاد دوره بعد، طبق برنامه سیاسی و اقتصادی ایی که قبل از انتخابات عمومی آزاد اعلام میکنند سازمان می دهند (همچنین انتخابات عمومی آزادی که چنانچه اکثریت مردم خواستار آن جهت سازماندهی دولت دیگری باشند بایستی مابین انتخابات عمومی آزادی که بطور معمول برای هر دوره ۴ ساله اجرا میشود برگزار گردد تا دولت حاکمی که اکثریت مردم خواستار آن نیستند برکنار و نوع دولتی که خواستار آنند سازمان یابد). حد نصاب وارد شدن تشکل های سیاسی در پارلمان مرکزی و پارلمانهای محلی (۴ درصد) آراء رأی دهندگان را میطلبد که بر مبنای درصد آراء رأی دهندگان سراسری و محلی به تشکل ها، نمایندگان آنها نیز برای پارلمان ها انتخاب میگردند. دولت هر دوره بعد از انتخابات را چنانچه هیچ یک از تشکل ها بتنهائی رأی اکثریت رأی دهندگان را دارا نباشند نیز میتوان با همکاری تشکل های سیاسی مختلفی که مجموعاً رأی اکثریت مردم را دارا هستند طبق برنامه سیاسی و اقتصادی مشترکشان سازمان داد در غیر اینصورت انتخابات مجدداً برگزار میگردد. حال این دولت جدید میتواند از نوع جمهوری دموکراتیک، اتحادیه ای و شورائی و غیره باشد. ازاینرو در قانون اساسی دموکراتیک نباید هیچ نوع و یا شکل خاصی از دولت قید گردد، زیرا قید شدن نوع و یا شکلی از دولت در قانون اساسی متناقض دموکراسی است. در قانون اساسی کشور کفایت تنها دولت دموکراتیک قید گردد. بنابراین در کشوری که قوانین دموکراتیک حاکم است دولت میتواند در دوره ای به شکل جمهوری دموکراتیک و در دوره دیگر به شکل اتحادیه ایی و یا شورائی و غیره سازمان یابد. دولت دموکراتیک در جامعه ضامن اجرائی تبعیت اقلیت از اکثریت است. آنچه مطرح شد خلاصه ای از سازمان یابی دولت دموکراتیک بعد از هر دوره انتخاباتی عمومی آزاد میباشد و بایستی تصمیمات دولت مرکزی در سطح سراسری به اجرا گذاشته شود. تشکل هایی که طبق قواعد انتخابات چنانچه درصد قابل ملاحظه ای از آراء (۴

درصد آراء) رأی دهندگان را در سطح سراسری بدست نیاورند اما در سطح محلی (استان، شهر و...) درصد بالایی از آراء (۴ درصد آراء) رأی دهندگان را دارا باشند، اداره کردن منطقه مربوطه را بعهدہ میگیرند (اما تابع تصمیمات دولت مرکزی تا زمانی که دولت مرکزی حاکم را اکثریت مردم قبول دارند هستند).

دولت موقت انقلابی دولتی است که از طریق یک انقلاب اجتماعی توسط طبقات و اقشار گوناگون متشکل جهت اداره کردن موقتی جامعه تشکیل میگردد و از حمایت این طبقات و اقشار برخوردار است. یکی از وظایف اصلی دولت موقت انقلابی سرکوب قهرآمیز بازماندگان رژیم استبدادی - ارتجاعی است که بعد از سرنگونی این رژیم بازماندگان آن در برقراری دولت دموکراتیک در جامعه اختلال ایجاد مینمایند و یا اینکه بازماندگان رژیم تلاش در بازگرداندن رژیمی که سرنگون شده اما کاملاً ازبین نرفته مینمایند. این سرکوبی یا مبارزه قهرآمیز ضروری تا زمانی ادامه خواهد داشت که مقاومت بازماندگان رژیم درهم شکسته شود و زمینه مناسب برای برگزاری انتخابات عمومی آزاد که با شرکت تشکل های مختلف سیاسی (احزاب و سازمانهای سیاسی، اتحادیه ها و شوراهای) صورت میگیرد آماده گردد، و همچنین بایستی بعد از سرکوبی مقاومت بازماندگان رژیم مدتی (حداکثر یک سال) قبل از برگزاری انتخابات عمومی آزاد برای تشکل ها (احزاب و سازمانهای سیاسی، اتحادیه ها و شوراهای) جهت سازمانیابی و تبلیغ و ترویج برنامه، نظامنامه و سیاست های سازمانی خود در سطح محلی و سراسری در نظر گرفته شود. دولت موقت انقلابی از قانون منشأ نمی گیرد بلکه از انقلاب منشأ میگیرد. دولت موقت انقلابی باید در برابر مجلس مؤسسان آینده متعهد باشد. دولت موقت انقلابی میتواند به شکل شورائی عمل کند و یا به شکل جمهوری دموکراتیک. از آنجائیکه شرایط و وظایف دولت موقت انقلابی با شرایط و وظایف دولت دموکراتیک متعارف متفاوت است از پیش ما نمی توانیم وظایف بیشتری را در رابطه با دولت موقت انقلابی مطرح کنیم. اما ما میتوانیم فقط این را تأکید کنیم که یکی از وظائف دولت موقت انقلابی این است که باید به شکل قهرآمیز مخالفین برقراری نظامهای دموکراتیک در جامعه را سرکوب کند که رژیم استبدادی - ارتجاعی جمهوری اسلامی بخش بزرگ و سازمانیافته در ایران است. در حال حاضر منطقه دستخوش تغییرات عظیم سیاسی و نظامی است و ما فعلاً نمی دانیم که رژیم استبدادی - ارتجاعی جمهوری اسلامی با دخالت مستقیم نیروهای نظامی کشورهای دموکراتیک سرنگون خواهد شد و یا فقط توسط مردم ایران که بایستی تلاش کنند هم طبقه ای خود را در تشکل های مستقل طبقاتی (اتحادیه ها و شوراهای) محلی و

سراسری خود و در احزاب و سازمانهای سیاسی طبقاتی خود، و در گروه ها، انجمن ها و نهادهای مخفی سازمان دهند، سرنگون خواهد شد و یا با همکاری دولتهای دموکراتیک کشورهای پیشرفته و مردم ایران سرنگون خواهد شد. شکل ایده آل هر تغییر و تحول سیاسی شکلی است که از طریق انتخابات عمومی آزاد صورت گیرد، اما همیشه و بخصوص در جامعه ای با حاکمیت رژیم استبدادی و ارتجاعی (امپراطوری) که نیروهای سرکوبگر آن کاملاً به سلاح های گرم سنگین، نیمه سنگین، سبک و دیگر تجهیزات نظامی مسلح هستند، تغییر و تحول سیاسی (از رژیم استبدادی - ارتجاعی به دولت دموکراتیک) تنها با اکتفا کردن به «آرزو»ها صورت نمی گیرد بلکه باید وارد مبارزه سیاسی عملی در اشکال مختلف آنهم به شیوه ای که تضمین کننده کمترین خسارت جانی و مالی مردم باشد شد. یکی از مهمترین شیوه هاییکه این هدف را تضمین میکند این است که کارگران و زحمتکشان خود را در تشکل های مستقل خود (اتحادیه ها و یا شوراها) حول اهداف و نظامنامه در مقیاس سراسری سازمان دهند؛ و همچنین جمع ها، گروه ها، نهادهای مخفی مسلح را علیه رژیم استبدادی - ارتجاعی جهت برقراری نظام دموکراتیک برای جنگ نهائی آماده سازند. زیرا اصلی ترین نیروها برای هر انقلاب اجتماعی کارگران و زحمتکشان هستند. پس نهایتاً این نیروها هستند که بایستی در سرنگونی رژیم استبدادی - ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری نظام دموکراتیک پیا خیزند، اما مسلح همچون دشمنان نظامهای دموکراتیک. (در این نوشته در اکثر جاهایی که خواستم نام تشکل های مستقل کارگران و زحمتکشان را بنویسم، در پرانتز نوشتم «اتحادیه ها و شوراها»). منظورم این است که نام و شکل تشکل مستقل کارگران و زحمتکشان باید بنا به موقعیت و تشخیص خود کارگران و زحمتکشان انتخاب شود. در واقع دو نوع آلترناتیو بزرگ تشکل مستقل کارگران و زحمتکشان شناخته شده وجود دارد. یکی اتحادیه ها و دیگری شوراهاست. اما مسئله بر سر این است که در حال حاضر سازمانیابی کدام یک از ساختار تشکیلاتی تشکل مستقل کارگران و زحمتکشان در ایران محتمل تر است و وظایف و هدف این دو نوع آلترناتیو چه میتواند باشد. آیا در آینده اهداف و وظایف هر دو تشکل مستقل کارگران و زحمتکشان نمیتواند یکی گردد؟ یا اینکه مخالفت مخالفین سازمانیابی اتحادیه ای بر سر نام تشکل است؟! اما نه. در واقع طبق اسناد موجود مخالفت شان با خود سازمانیابی تشکل مستقل کارگران و زحمتکشان است. اینها احزاب را تشکل مستقل کارگران میدانند؟! در صورتی که احزاب کمونیست از افرادی که کمونیسم علمی را قبول دارند تشکیل میگردد، اما این افراد از نظر جایگاه طبقاتی هم متعلق به طبقه کارگر و زحمتکش و هم متعلق به طبقات و اقشار دیگر جامعه

هستند. ولی منافی جدا از منافع پرولترها ندارند. به این معنی که یکی از مهم ترین عرصه مبارزه شان سازماندهی محلی، کشوری و بین المللی کارگران و زحمتکشان است).

در مورد تغییر و تحول سیاسی و اقتصادی هر جامعه ای بدون در نظرگیری مسائل بین المللی اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به بیراهه رفتن است. رشد اقتصادی جوامع به حدی رسیده است که کشورهای پیشرفته بسادگی در تغییر و تحول سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع عقب افتاده ای که رژیم های استبدادی و ارتجاعی حاکم هستند مستقیماً جهت برقراری دولت های دموکراتیک و یا برعکس جهت برقراری رژیم های استبدادی و ارتجاعی دیگری دخالت میکنند. حال مردم این جوامع باید با دقت توجه کنند و ببینند که دولت های کشورهای پیشرفته (نیروهای بین المللی) تغییر و تحول سیاسی را در چه جهتی میخواهند سوق دهند. کدامین نیروهای بین المللی خواستار حفظ رژیم های استبدادی - ارتجاعی حاکم هستند و کدامین نیروهای بین المللی خواستار سرنگونی رژیم های استبدادی - ارتجاعی هستند، و یا اینکه کدامین نیروهای بین المللی خواستار تغییر و تحول سیاسی بنیادی نیستند بلکه فقط خواستار جابجائی مهره ها و یا اشخاص حاکم خود در کشورهای عقب افتاده با مهره ها و اشخاص دست پرورده جدید خود تحت عناوین دیگری هستند، و کدامین نیروهای بین المللی خواستار برقراری دولت های دموکراتیک در جوامع هستند. عبارت دیگر کدامین دولت ها و نیروهای کشورهای پیشرفته خواستار برقراری از جمله: (۱) آزادیهای بی قید و شرط سیاسی اعم از آزادی بیان، عقیده، مطبوعات، نقد و انتقاد، تشکل (بعنوان مثال: گروه ها، انجمن ها، احزاب و سازمانهای سیاسی، اتحادیه ها و شوراها)، تحصن، اجتماعات، انتخابات، تظاهرات، اعتصابات، و غیره؛ (۲) جدایی مذهب از دولت و آموزش؛ (۳) برابری حقوقی زنان و مردان، ملتها و بطور کلی برابری حقوقی انسانها بدون در نظرگیری جنسیت، ملیت، رنگ پوست، اعتقاد داشتن به «خدا» و پذیرفتن مذهب و یا اعتقاد نداشتن به «خدا» و نپذیرفتن هیچ مذهبی، شغل و مالی؛ (۴) حقوق برابر در ازاء کار مشابه؛ و دیگر مطالبات دموکراتیک در جامعه هستند. البته مردم باید با نیروها و دولت های کشورهای دیگر که خواستار تغییر و تحول سیاسی در جهت برقراری دولت های دموکراتیک در جامعه هستند همکاری کنند و علیه نیروها و دولت های کشورهای بین المللی که در تلاش اند رژیم های استبدادی و ارتجاعی حاکم را حفظ و یا مشابه آن را تحت عناوین دیگر در جوامع برقرار نمایند مبارزه کنند. کارگران و زحمتکشان در پیش بردن مبارزه درست و اصولی جهت سرنگونی رژیم استبدادی و ارتجاعی حاکم و برقراری نظام دموکراتیک در جامعه نیاز به تفکیک نیروهای بین المللی و داخلی که خواستار برقراری رژیم

استبدادی و ارتجاعی در جامعه هستند از نیروهای بین‌المللی و داخلی ای که خواستار برقراری دولت دموکراتیک در جامعه هستند را دارند و این موضوع در برقراری دموکراسی در جوامع بسیار مهم و ضروری است.

در دههٔ اخیر بخشی از تشکل‌ها با تبلیغات «انساندوستی» (غیر طبقاتی) مبتذلشان در رابطه با مبارزه جاری در منطقه مدعی هستند که فقط «مردم خوشان» (بدون آنها) باید رژیم‌های حاکم را سرنگون کنند و این رژیم‌ها نباید با دخالت «نیروهای خارجی» سرنگون گردند، درک خرده‌بورژوازی خود را نسبت به مسائل سیاسی و اقتصادی و مبارزات طبقاتی بنمایش گذاشتند. جالب توجه این است که بخشی از اینها نیز در گفتار مدعی‌اند که «انترناسیونالیست» هستند (کما اینکه موضوع مربوط به انترناسیونالیسم حتی در گفتارشان هم بسیار کم‌رنگ شده است) اما وقتی که نظرات شان و عملکرد تاکنونی شان را بررسی کنید متوجه میشوید که از یکطرف موضوع‌گیری‌ها و عملکردهای تاکنونی شان به نفع مرتجعین و مستبدین حاکم و غیر حاکم که در تلاش‌اند حاکم گردند تمام شد و از طرف دیگر به ضرر کارگران و زحمتکشان. جا دارد در اینجا به این نکته اشاره شود که این تشکل‌ها تاکنون فقط مشغول سازماندهی تشکیلات خود («حزب»، «سازمان» و...) بوده‌اند نه مشغول سازماندهی تشکل‌های مستقل کارگران و زحمتکشان. گذشته از این که این تشکل‌ها تاکنون در سازماندهی کارگران و زحمتکشان نقشی نداشتند در هر کجا که کارگران و زحمتکشان مشغول سازماندهی تشکل مستقل طبقاتی خود شدند، از یک طرف رژیم حاکم رهبران کارگران و زحمتکشان را دستگیر و روانه زندانها، شکنجه و اعدام نموده و از طرف دیگر رهبران این تشکل‌های «اپوزیسیون»ی نیز به نوبه خود در تخطئه کردن و تلاش در سازمان نیافتن تشکل‌های مورد نظر کارگران و زحمتکشان به بهانه‌های مختلف همچون: «اتحادیه‌های زرد» و یا «اتحادیه‌ها» پاسخگوی نیازهای کارگران نیستند، و غیره برخاستند (واقعاً که تاریخ فعالیتهای تاکنونی رهبران احزاب و سازمانهای سیاسی «چپ»، «سوسیالیست» و «کمونیست»های ایرانی خواندنی است!).

این طیف تا جایی که به نفع خودشان (تشکیلاتی و یا فردی) است حق دخالت کردن در امور سیاسی دیگر جوامع را برای خود قائلند، اما حق دخالت کردن سیاسی و نظامی در «کشور»شان را برای دیگران چنانچه به نفع تشکیلات خودشان نباشد قائل نیستند. موضع‌گیریها و عملکرد ضد و نقیض این طیف به حدی آشکار است که حتی نمی‌توانند یک بچه مدرسه‌ای را که با سیاست آشنا باشد فریب دهند. اما یک فرد یا تشکیلات سیاسی «انقلابی»، سوسیالیستی و کمونیستی

باید مسائل طبقاتی و شرایط را درک کرده باشد و بعنوان یک فرد و یا تشکیلات انترناسیونالیست در مبارزات جاری طبقاتی به نفع کارگران و زحمتکشان شرکت نماید، حال میخواید این مبارزه طبقاتی در هر جای کره زمین در جریان باشد.

درواقع هدف این طیف از تبلیغات «انساندوستانه» مبتذل (غیر طبقاتی و یا ایده آلیستی) تاکنونی شان بخاطر این است که آنها میخوانند تغییر و تحول سیاسی بگونه ای انجام گیرد که خودشان یعنی تشکیلاتشان صاحب قدرت دولتی یعنی صاحب تمام سرمایه کشور شوند. برای رسیدن به این هدف باید بتوانند از طریق توهم پراکنی ذهن کارگران و زحمتکشان را از مبارزه طبقاتی فعلی (دمکراسی خواهی علیه استبداد و ارتجاع) دور کنند و به عنوان انسانهای «شریف و خیرخواه» ظاهر شوند تا وانمود کنند که اگر آنها (تشکیلات آنها) «قدرت سیاسی را» بگیرد جامعه از هرگونه بدبختی «آزاد» خواهد شد! در غیر اینصورت جامعه را فقر و فلاکت نابود خواهد کرد! بعبارت دیگر هر یک از این طیف موجود میخوانند فقط تشکیلات خودش (نه نمایندگان کارگران و زحمتکشان سازمانیافته در تشکل مستقل خود به مقیاس سراسری همراه با دیگر طبقات و اقشار ضد استبداد - ارتجاع که در تشکل های سیاسی مختلف سازمان یافته اند و در آینده نیز تشکل های سیاسی دیگری نیز سازمان خواهند یافت) قدرت دولتی را بتنهایی در دست گیرد، مخالفین سیاسی تشکیلاتی و غیرتشکیلاتی فعلی خودشان را به بهانه های مختلف تا خشم نیروهای انقلاب این فرصت را به آنها میدهد شناسایی و از بین ببرند تا از اینطریق بتوانند با مزاحمت کمتری برای مدت طولانی اینبار آنها به جای رژیم استبدادی - ارتجاعی جمهوری اسلامی حاکم صاحب شرکت های نفت، گاز، معادن طلا، مس، اورانیوم و کارخانها، زمین های کشاورزی بزرگ و دامداریهای بزرگ و غیره بعد از سرنگونی رژیم، گردند. البته این طیف برای قانونیت بخشیدن قدرت گیری دولتی خود باید به مردم کشورهای پیشرفته ثابت کنند که قدرت گیری تشکیلات آنها در کشور جنبه قانونی دارد. بعبارت دیگر نشان دهند که اکثریت مردم (برای ابد!) فقط تشکیلات آنها را میخوانند. برای قانونیت بخشیدن قدرت گیری دولتی تشکیلات خود نیاز به انقلاب اجتماعی ای دارند که بتواند رژیم استبدادی - ارتجاعی جمهوری اسلامی را سرنگون کند و قدرت دولتی را بدست آنها بسپارد. پس برای رسیدن به هدف خود نیاز به طرح های فریبنده ای که بتواند اکثریت نیروی انقلاب یعنی کارگران و زحمتکشان را بفریبد دارند. طرحی بهتر از تبلیغات «انسان دوستی» مبتذل تا در دست گیری قدرت دولتی برای فریب مردم وجود ندارد.

(جهت روشن شدن مطلب انقلاب ۱۳۵۷ مثال تاریخی خوبیست تا مشخص گردد که تشکل هایی

که مدافع رژیم استبدادی - ارتجاعی هستند وقتی که قدرت دولتی را در دست بگیرند چه جنایتهایی را مرتکب میشوند: «حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله»، روح الله ای که شاید تا بدست گیری قدرت دولتی در کشور ایران آزارش حتی به فردی هم نرسیده باشد، و یا اندک بوده است ولی دیدیم که او و تشکیلاتش بعد از بدست گیری قدرت دولتی به بهانه برقراری «آزادی، برابری، جمهوری اسلامی» و بعد از مدتی فقط «اسلام» خالص تحت عنوان «جمهوری اسلامی»، در کشور ایران و منطقه مرتکب چه جنایت هولناکی شده اند. در واقع آنچه در ایران اتفاق افتاده نتیجه تفکر استبدادی - ارتجاعی و تبلیغات ایده آلیستی و توهم پراکنی خرده بورژوازی مرتجع با همکاری بخش مرتجع بورژوازی اروپا بود. خانمها و آقایان، ببخشید! به جای خشمگین شدن از اینکه دستتان رو میشود، بنفع اکثریت مردم گام بردارید. بعبارت دیگر بجای تلاش کردن در برقراری رژیم استبدادی - ارتجاعی دیگر، جهت برقراری نظام دموکراتیک فعالیت کنید! برمیگردیم به موضوع اصلی.

باز هم تأکید میکنیم که این جریان ها زمانی میتوانند به «آرزو»های خود که همانا صاحب تمام سرمایه های کشور که متعلق به تک تک اعضای آن جامعه است، بجای ملی شدن و یا بعبارت دیگر بجای دولتی شدن، شوند که موفق به برقراری رژیم استبدادی دیگری از طریق یک انقلاب با سازماندهی آدمهای لومپن و پست که همانا بخشی از آنها بازماندگان رژیم فعلی خواهند بود در تشکل های خود بعد از سرنگونی رژیم، به بهانه های مختلف علیه خواست های دموکراتیک در جامعه گردند و فعالین کارگران و زحمتکشان را از بین ببرند. بعبارت دیگر آنها برای رسیدن به هدف خود موفق به تخطئه کردن نظامهای دموکراتیک (اسناد موجود است) جهت برقراری رژیم استبدادی دیگری (امپراطوری، مانند رژیم ها و یا باند های سیاه همچون: «حزب الله» و دیگر گروه های مرتجع اسلامی در ایران، در فلسطین و...، «حزب بعث» عراق که سرنگون گشت، «حزب کمونیست» کره شمالی، «طالبان» در افغانستان که سرنگون گشت، رژیم سوریه و لیبی و مشابه این نوع رژیم های استبدادی و ارتجاعی) بعد از سرنگونی رژیم استبدادی - ارتجاعی جمهوری اسلامی در جامعه گردند. درواقع اینها آنچه‌هایی هستند که تشکل هایی که مخالف دموکراسی اند به دنبال آن هستند.

ما در اینجا در آخر این مطلب فقط یک جمله کوتاه خدمت طراح هان رژیم های استبدادی و ارتجاعی (بخش مرتجع بورژوازی اروپا) یعنی بخش ضد کارگری عرض میکنیم:
بدون درنظرگیری تاریخی و اقتصادی جوامع و یا عدم درک تاریخی و اقتصادی شما باعث سرمایه

گذاری کلان جهت برقراری رژیم های استبدادی – ارتجاعی دیگری بعد از سرنگونی رژیم های استبدادی و ارتجاعی حاکم هر دوره، جهت حفظ غارتگری خود شده اید که بخاطر همین عدم درک تاریخی و اقتصادی، خوشبختانه در این راه شکست سیاسی و اقتصادی مفتضحانه ای خورده اید. توصیه ما به شما این است که از سرمایه گذاری که تاکنون جهت برقراری رژیم های استبدادی و ارتجاعی در قاره های دیگر کرده اید چشم پوشید و در مقابل دموکراسی خواهی اکثریت مردم تسلیم شوید تا دچار خسارت بیشتری نگردید! همچنین ما از طبقه کارگر اروپا تقاضا میکنیم جلوی سیاست های ارتجاعی بورژوازی کشورهای خود را بگیرند! هزینه این سیاست های ارتجاعی را بورژوازی اروپا از طبقه کارگر اروپا دریافت کرده و میکند.

برقراری نظام دموکراتیک بجای رژیم های استبدادی و ارتجاعی بنفع همه در کره زمین است!

حجت برزگر

تاریخ: ۱۳۸۲/۰۶/۰۸ (۲۰۰۳/۰۸/۳۰ میلادی)

آدرس تماس از طریق شبکه نسیم: nasim@swipnet.se